

مقاله اصلی

مدل یابی روابط بین خشم با تعهد زناشویی و با میانجیگری نیازهای بنیادی روانشناختی در زنان شاغل

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۰۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۹

خلاصه

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف مدل یابی روابط بین خشم با تعهد زناشویی و با میانجیگری نیازهای بنیادی روانشناختی در زنان شاغل انجام شده است.

روش کار: جامعه آماری کلیه زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی استان گلستان بود و حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی مورگان ۳۸۰ نفر که با روش نمونه گیری داوطلبانه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل، پرسشنامه‌های تعهد زناشویی آدامز و جونز، پرسشنامه پرخاشگری AGQ و پرسشنامه نیازهای بنیادی روانشناختی می‌باشد که تمامی ابزار دارای پایایی و روایی هستند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار 23Amos استفاده شده است.

نتایج: یافته‌ها نشان داد خشم با تعهد زناشویی رابطه مستقیم ندارد و با میانجیگری نیازهای بنیادی روانشناختی در زنان شاغل دستگاه‌های اجرایی استان گلستان رابطه منفی و معناداری دارد.

نتیجه گیری: می‌توان نتیجه گرفت خشم از برانگیخته شدن نیازهای بنیادین روانشناختی حاصل می‌شود فلذا در صورتی که محیط مستعد بروز خشم باشد می‌تواند در کاهش میزان تعهد زناشویی تأثیر گذارد. ارائه آموزش خودکنترلی و توان افزایی و تاب آوری اجتماعی در جوامع در جهت بهبود شرایط اجتماعی و همچنین انجام پژوهش‌هایی مبتنی بر اثربخشی آموزش کنترل خشم، مهارت‌های ارتباطی و نیازهای بنیادین روانشناختی با گروه‌های مختلف پیشنهاد می‌گردد.

کلمات کلیدی: تعهد زناشویی، خشم، نیازهای بنیادی روانشناختی

آناهیتا مهشیدی^۱

رمضان حسن زاده^{۲*}

جوانشیر اسدی^۳

^۱دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، واحد گرگان، دانشگاه

آزاداسلامی، گرگان، ایران

^۲استاد گروه روانشناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاداسلامی،

ساری، ایران (نویسنده مسئول)

^۳استادیار گروه روانشناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد

اسلامی، گرگان، ایران

Email: drhasanzadeh@yahoo.com

مقدمه

خانواده مناسب‌ترین جایگاه برای تأمین نیازهای انسان و بهترین بستر برای تأمین امنیت و آرامش روانی است و به تعبیر قرآن کریم هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده، به سکونت و آرامش رسیدن خانواده است. خانواده رکن اساسی جامعه انسانی است و شرط پویایی و استواری آن، وجود روابط صحیح و پایدار میان همسران است. بالا رفتن آمار طلاق در کشور در طی سالهای اخیر نشان می‌دهد که متولیان و متخصصان امر باید با رویکرد متفاوت از قبل به موضوع خانواده ورود پیدا کنند. کاهش ۴٫۱ درصدی ازدواج در کشور طی سالهای ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ و همچنین افزایش ۹ درصدی طلاق در استان گلستان و کاهش ۲٫۸ درصدی ازدواج^۱ زنگ خطر را نواخته است و با توجه به نیاز جدی به حفظ و تحکیم بنیان خانواده جهت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و همچنین به منظور تربیت نسل موفق، با نشاط و سالم لازم است در خصوص عوامل تأثیرگذار بر سلامت خانواده‌ها مطالعات لازم صورت پذیرد. عواملی که هر یک به تنهایی می‌توانند مشکلاتی را در زندگی فردی و اجتماعی بروز دهند و تجمیع و همراهی آنها به تبع باعث هم افزایی بیشتر آسیبها خواهد شد. تعهد زناشویی به عنوان یکی از عوامل تحکیم خانواده دارای جایگاه و اهمیت ویژه ای است. تا آنجا که رینولد و منسفیلد (۱۹۹۹) آن را دومین عامل حفظ کننده ازدواج دانسته اند. از آنجائیکه در تحقیقات پیشین داخل و خارج کشور تحقیقی با متغیرهای این مطالعه انجام نشده است و همچنین با توجه به افزایش طلاقها و بروز آسیبهای اجتماعی لازم است در خصوص عوامل موثر بر تعهد زناشویی و تحکیم خانواده مطالعات بیشتری صورت پذیرد.

ازدواج یک تعهد عاطفی و حقوقی است که همراه با رسم و رسومات قومی و فرهنگی برگزار می‌شود. ازدواج نشان دهنده توانایی فرد در پذیرفتن تعهد است (هادی و دیگران، ۱۳۹۵). این تعهد شالوده و اساس یک زندگی مشترک است. ازدواج مبتنی بر یک تعهد بی قید و شرط است و مشروط نیست، اقدام متقابل به

مثل نیست بلکه عرصه نشان دادن تعهد است. تعهدی که شالوده زندگی مشترک است و باعث اعتماد متقابل بین همسران می‌شود (خزائی و همکاران، ۱۳۹۶). منظور از تعهد زناشویی تمایل فرد به حفظ روابط همسری به صورت وفادارانه و ارزشهای اخلاقی می‌باشد طوریکه منجر به تداوم ازدواج شود. این تعهد قوی‌ترین عامل در استحکام خانواده است. آما تو معتقد است که تعهد زناشویی به این معنی است که زوجین تا چه حد برای روابط زناشویی خود ارزش قائلند و چقدر برای حفظ و تداوم ازدواج- شان انگیزه دارند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴). تعهد زناشویی یعنی فرد در رابطه چقدر احساس امنیت می‌کند و تا چه حدی احساس ارزشمندی رابطه را دارد (نلسون و دیگران، ۲۰۱۲). این تعهد قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش بینی کننده کیفیت و ثبات رابطه است و نقشی تمام و کمال در برانگیختن زوجین برای مقابله با پستی و بلندیهای زندگی دارد. سطوح بالای تعهد زناشویی با سازگاری و ثبات زناشویی بالاتر، مهارت حل مسئله مناسبتر و به تبع افزایش رضایت زناشویی رابطه دارد (کاپینوس و جانسون، ۲۰۰۹). یکی از مسائلی که باعث تحکیم خانواده می‌شود، خلق حسنه است که در روایات متعدد اسلامی و مباحث مختلف روانشناسی به آن تاکید می‌گردد. وجود اخلاق حسنه در زندگی یکی از ملاکهای استواری بنیان خانواده است و رابطه‌ی اخلاق و خانواده، رابطه‌ای کاملاً مستقیم و الزامی است و این استواری حاصل پایبندی‌های اخلاقی اعضای آن و پرهیز از کج خلقی و فساد است. در تمامی شرایع آسمانی، محبت ورزیدن، مدارای همسران با یکدیگر، خوش رفتاری و خوش کلامی در خانواده، عبادت محسوب می‌شود و امری مقدس است. اهداف بلند مدت و مقدس خانواده اقتضا می‌کند که همسران بیشترین دقت را در رعایت حسن معاشرت با یکدیگر داشته باشند و از خانه فضایی سرشار از انس و ملامت بسازند؛ زیرا هدف خداوند از آفرینش زن و مرد؛ ایجاد آرامش است.

نیز نشان دادند که ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی با سازگاری زوجین رابطه مثبت معنادار دارد. غفاری و غلامی (۱۳۹۷) نیز یافتند که بین ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی با رفتار و احساس پرخاشگرانه کارکنان رابطه معنادار وجود دارد. کلیه موجودات زنده از ساده‌ترین تک‌یاخته تا انسان که پیچیده‌ترین و کامل‌ترین آن‌هاست دارای مجموعه‌ای از نیازها است. طبق نظریه خود تعیین‌گری دسی و رایان انسان دارای سه نیاز خودمختاری، شایستگی و توانایی ارتباط است که در انسان بنیادین محسوب می‌شوند. یعنی شخص احساس کند می‌تواند رفتارهایش را خودش انتخاب کند و خودش تعیین‌کننده اعمال و هدفهایش باشد (بشارت و رنجبر کلاگری، ۱۳۹۲). معیار اصلی یک نیاز بنیادین تأثیرمستقیم بر بهزیستی روانشناختی و رشد روانشناختی است. خودتعیین‌گری به عنوان مبنای رفتار و اعمال فرد وقتی محقق می‌شود که فرد احساس کند می‌تواند رفتارهایش را انتخاب کند. یعنی افراد تمایلی ذاتی برای رشد و یکپارچگی دارند (بشارت و همکاران، ۱۳۹۴). معیار اصلی یک نیاز بنیادین این است که مستقیماً بر بهزیستی روانشناختی و رشد روانشناختی تأثیر بگذارد (دسی و رایان، ۲۰۰۰). بر طبق این نظر تمایل به پیشرفت و داشتن حرمت خود به دلیل عدم تأثیرمستقیم بر بهزیستی روانشناختی، نیاز محسوب نمی‌شود (بشارت و همکاران، ۱۳۹۴). انسان ارگانیسم فعال است که بهبود می‌یابد، توسعه می‌یابد و خود را به سطح بالاتری می‌رساند. اما یک روش کاملاً خودکار نیست. این امر نیازمند مواد مغذی و پشتیبانی مداوم است. بستر اجتماعی می‌تواند از این رشد روانی حمایت یا مسدود کند. زمینه تنش بین فرد و زمینه اجتماعی او، رفتار، تجربیات و تحولات او را تعیین می‌کند. برای حمایت از این امر، استقلال، صلاحیت و ارتباط با آنها ضروری است. عدم حمایت از یکی از این سه نیاز روانی در بستر اجتماعی، تأثیر مخربی بر بهزیستی فرد خواهد گذاشت (ریان و دسی، ۲۰۱۷). خودتعیین‌گری وجود سه نیاز اساسی را بیان می‌کند: استقلال، صلاحیت و مرتبط بودن (جانستون و فیننی، ۲۰۱۰): در این نظریه استقلال به لزوم احساس اینکه رفتار فرد و نتایج حاصل از آن توسط خود تعیین می‌شود، اشاره دارد. صلاحیت به لزوم احساس مؤثر بودن و توانایی در انجام وظایف

تحقیقات و بررسی‌های متعدد نشان داد که خشم می‌تواند در بروز مشکلات خانوادگی دخیل باشد مانند نتایج تحقیقاتی که نشان داده است سطوح بالاتر تعهد زناشویی با ابراز عشق بالا (استرنبرگ، ۱۹۸۶؛ کلمنتس و اسونسون، ۲۰۰۰) با درگیری‌ها و اختلافات زناشویی پایین (اسونسون و تراهاگ، ۱۹۸۵) با بخشودگی بالا (فینک و همکاران، ۲۰۰۲) با تعارض زناشویی پایین (اسکانزونی و آرنت، ۱۹۸۷) با خیانت پایین (فیهر، ۱۹۹۸) و با وفاداری بالا در ارتباط است (به نقل از هریس و لی، ۲۰۰۷؛ آماتو، ۲۰۰۸). همچنین ریویز (۲۰۰۶) به این نتیجه رسید که در روابط زناشویی پستی و بلندی‌هایی وجود دارد که برای حفظ یک رابطه متعهدانه، لازم است. زوجین با کمک یکدیگر روی مشکلات و حل آنها کار کنند. وی کلیدهای ساخت یک ازدواج موفق را در تعهد و وفاداری، تفکر مثبت، ارتباط، مهربانی، درک و احترام و اهداف مشترک می‌داند. رنشاو و همکاران (۲۰۱۰) یافتند که افسردگی و خصومت عصبانی دارای اثرات معادل منفی و معنی‌دار منفی بر رضایت زناشویی است. همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش میری و همکاران (۱۳۹۳) و میرشمسی و همکاران (۱۳۹۱) می‌توان نتیجه گرفت که آموزش کنترل خشم می‌تواند روش مناسبی برای کاهش تعارضات زناشویی باشد و باعث افزایش رضایتمندی زناشویی می‌گردد.

خشم یک واکنش هیجانی نسبتاً قوی است که در انواعی از موقعیت‌های (حقیقی و یا خیالی) همانند به بند کشیده شدن، مداخله بی‌مورد دیگران، ربوده شدن متعلقات و مورد تهدید یا حمله واقع شدن ظاهر می‌گردد و با برانگیختگی فیزیولوژیک و افکار ستیزجویانه همراه است (انیل، ۱۳۸۳) و غالباً رفتارهای پرخاشگرانه به دنبال دارد (مصباح و دیگران، ۱۳۷۴). اما باید دید سرچشمه بروز خشم و پرخاشگری در چه چیزی نهفته است؟ آیا می‌توان برای بروز خشم و تأثیر آن بر تعهد زناشویی تبیین درستی داشت یا خیر؟ یکی از علل بروز خشم به نیازهای بنیادین روانشناختی معطوف می‌گردد. خان محمدی و همکاران (۱۳۹۷) یافتند بین نیازهای بنیادین روانشناختی و انتظارات زناشویی با طلاق عاطفی همبستگی منفی و بین عملکرد خانواده و طلاق عاطفی همبستگی مثبت وجود دارد و بشارت و همکاران (۱۳۹۴)

خود احساس نابرابری و بی‌عدالتی دارند از رضایت زناشویی و تعهد اندکی در مقایسه با سایر زوجین برخوردارند. روشن است که ادراک برابری، فرایندهای مختلف زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زنان در شرایط ادراک برابر در روابط زناشویی از اعتماد به نفس، عزت نفس و روابط اجتماعی قوی برخوردارند. زنان در شرایط ادراک نابرابر، تعهد کمتری از خود در روابط زناشویی نشان می‌دهند. زیرا با همسر خود احساس اشتراک ندارند (لارسون، هاموند و هارپر، ۱۹۸۸). لایر و لایر^۲ (۱۹۸۷) دریافتند که تعهد زناشویی می‌تواند به عنوان دلیل اصلی تداوم ثبات زناشویی در نظر گرفته شود (به نقل از استنلی و مارکمن، ۲۰۰۶). سونسون و تراهاگ (۱۹۸۵) طبق یافته‌های پژوهشی خود گزارش کردند که در ازدواج‌های دارای تعهد بالا، صمیمیت بیشتری وجود دارد، عشق بیشتری ابراز می‌شود و درگیری‌های زناشویی کمتری دیده می‌شود. پاتریک و همکاران (۲۰۰۷) نشان داده‌اند همسرانی که نیازهایشان در روابط عاشقانه بیشتر ارضا می‌شود، عزت نفس، نیروی حیاتی و عواطف مثبت بیشتر و عواطف منفی کمتری را تجربه کردند. آنها نتیجه گرفتند که با توجه به پیامدهای کیفی این روابط، افرادی که در روابط عاشقانه، ارضای این نیازها را بیشتر تجربه کنند، رضایت از زناشویی و تعهد بیشتری را نشان خواهند داد. پژوهش براوو و لمپکین (۲۰۱۰) نشان داد که یکی از مهمترین عوامل اختلافات زناشویی، نیازهای برآورده نشده زوجین است. این مطالعه سعی می‌کند دریابد که آیا خشم با تعهد زناشویی و با میانمیزیگری نیازهای بنیادی روانشناختی رابطه دارد؟

روش کار

جامعه آماری، نمونه و روش اجرا پژوهش

این پژوهش به منظور تحلیل و تعیین مسیرهای علی بین متغیرهای تحقیق از نوع مطالعه توصیفی و از نوع همبستگی با استفاده از روش معادلات ساختاری بود. جامعه آماری مورد بررسی این پژوهش زنان شاغل در دستگاه‌های دولتی استان گلستان بود که در پژوهش حاضر روش نمونه‌گیری شیوه نمونه‌گیری داوطلبانه

در سطوح مختلف دشواری اشاره دارد و در نهایت وابستگی به نیاز به احساس پشتیبانی یا تحت مراقبت افراد دیگر بودن، اشاره دارد. نظریه خود تعیین‌گری بر رشد طبیعی مردم به سمت انگیزه مثبت تأکید دارد. افراد باید از محیط اجتماعی تغذیه شوند که منجر به بهبود شادی و بهزیستی می‌شود. اگر این اتفاق نیفتد و نیازهای اصلی برآورده نشود، عواقب منفی به همراه خواهد داشت (ریان و دسی، ۲۰۱۷). جانستون و فینی (۲۰۱۰) تصریح می‌کند برای رسیدن به بهزیستی روانشناختی باید این سه نیاز برآورده شود یعنی اگر فقط یکی یا دو مورد از آنها برآورده شود سلامت روانشناختی رنج خواهد برد. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که تعهد مادام‌العمر به ازدواج و وفاداری به همسر از ویژگی‌های اکثر ازدواج‌های موفق و طولانی‌مدت به شمار می‌رود. هندریک (۲۰۰۵) در پژوهش خود دریافت که تعهد زناشویی از طریق فرایند ارزیابی از رفتار پیش‌ارتباطی رشد می‌یابد. به طوری که آگاهی از نوع و سطح رفتار در ارتباطات اولیه، بیانگر تناسب و همگرایی رفتارهای زوجین نسبت به یکدیگر بوده که این موضوع تعیین‌کننده میزان وفاداری و تعهد آنها است. رزن-گاراندون و همکاران (۲۰۰۴) نیز در یک بررسی روی ویژگی‌های زوج‌هایی که بیش از ۴۵ سال از ازدواجشان گذشته بود، دریافتند که اکثریت این زوج‌ها به همسر و ازدواجشان متعهد بودند و رضایت زناشویی خویش را به مولفه تعهد اسناد می‌دادند. استیس و هامونس (۲۰۰۲) در پژوهش خود با هدف مقایسه تعهد زناشویی در مردان و زنان گزارش کرده‌اند که میزان تعهد در زنان به نحو قابل توجهی بالاتر از مردان بوده است (به نقل از استرچمن و گاپل، ۲۰۰۶). آکر و دیویس (۱۹۹۲) در پژوهش خود، تعهد زناشویی را قدرتمندترین و باثبات‌ترین پیش‌بینی‌کننده روابط طولانی‌مدت به ویژه روابط زناشویی معرفی نمودند. استنلی و مارکمن (۱۹۹۲) بر اساس یافته‌های پژوهش خود پیشنهاد کردند که فداکاری شخصی به عنوان یکی از مولفه‌های تعهد زناشویی می‌تواند به طور فعال کیفیت ارتباطات زناشویی را پیش‌بینی نماید. پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که زنان و مردانی که در روابط

²- Layer & Loyer

¹- Stitets & Hammons

کلی پرسشنامه از صفر تا نود است و نمره کمتر نشاندهنده پرخاشگری پایین است. ضرایب آلفای کرونباخ (همسانی درونی) برای کل آزمودنیها برابر ۰/۸۷۴، برای دختران ۰/۸۶ و برای پسران ۰/۸۹ است (ساعتچی و همکاران، ۱۳۹۰).

پرسشنامه نیازهای بنیادی روانشناختی: این مقیاس که توسط گاردیا، دسی و رایان ساخته شده است شامل ۲۱ ماده می باشد و بر اساس مقیاس هفت درجه ای لیکرت درجه بندی شده است. ضرایب پایایی حاصل از اجرای آن روی مادر، پدر، شریک رومانیتیک و دوستان آزمودنی ۰/۹۲ گزارش شده است. در ایران آلفای بدست آمده در نمونه های مدیران و دانشجویان بین ۰/۷۴ و ۰/۷۹ می باشد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۲). بشارت (۱۳۹۱) ضرایب آلفای کرونباخ نمره زیر مقیاسهای خودپروی، شایستگی و تعلق برای جمعیت عمومی به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۹ و ۰/۹۲ و برای دانشجویان ۰/۸۹ و ۰/۸۷ و ۰/۹۱ محاسبه نمود که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس هستند. شیوه نمره گذاری آن بر اساس طیف لیکرت ۷ گزینه ای است. بر اساس این روش نمره های به دست آمده راجع کرده و سپس بر اساس جدول قضاوت میکنند. حداقل امتیاز ممکن ۲۱ و حداکثر ۱۴۷ خواهد بود.

نتایج

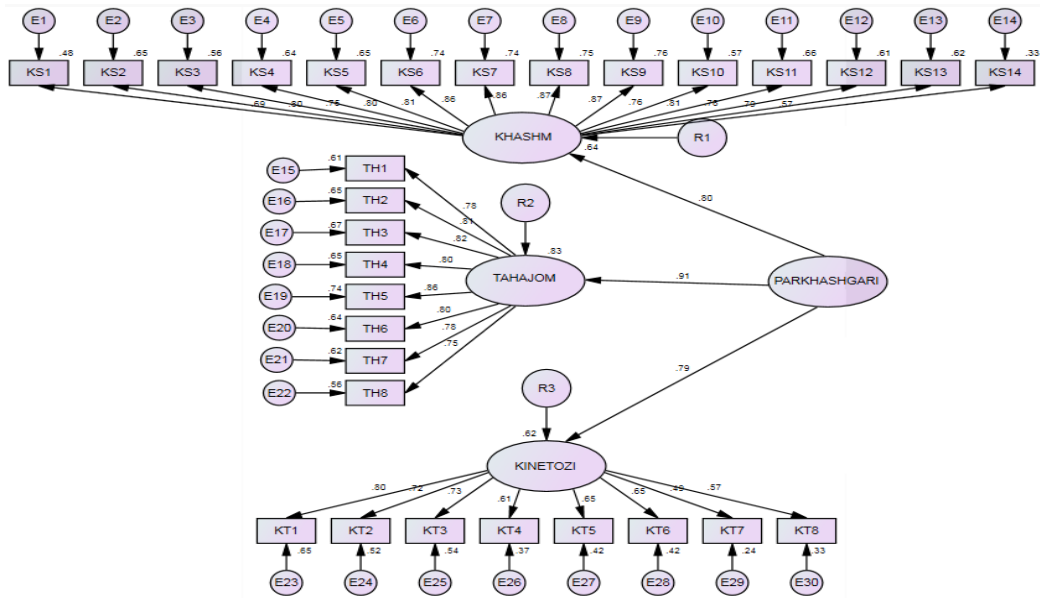
تحلیل عاملی تأییدی خشم: همانطور که ملاحظه می شود در شکل ۱ خروجی ضرایب استاندارد شده ایموس برای متغیر خشم گزارش شده است. تمام سؤالها دارای بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳ و معنادار هستند.

و برای تعیین حجم نمونه از جدول کرجسی مورگان استفاده گردیده است که $n=380$ بدست آمد. در این تحقیق روش گردآوری داده ها به صورت کتابخانه ای جهت جمع آوری و کسب اطلاعات از پیشینه و ادبیات تحقیق و روش مبدانی جهت جمع آوری داده های آماری است برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار 23Amos استفاده شد.

ابزار سنجش

پرسشنامه های تعهد زناشویی آدامز و جونز: این پرسشنامه شامل ۴۴ سوال و سه بعد تحت عنوان تعهد به همسر، تعهد به ازدواج و احساس تعهد (تعهد اجباری) دارد. نمره گذاری پرسشنامه بر اساس یک مقیاس ۵ درجه ای انجام می گیرد از کاملاً مخالف: ۱ امتیاز تا کاملاً موافق: ۵ امتیاز و دامنه نمرات از ۴۴ تا ۱۷۲ است. برای بدست آوردن امتیاز مجموع امتیازات مربوط به تک تک گویه های آن بعد را با هم محاسبه میگرد. محمدی در سال ۱۳۹۲ آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۷ گزارش کرده است (هادی و همکاران، ۱۳۹۵).

پرسشنامه پرخاشگری AGQ: این پرسشنامه یک مقیاس خود گزارش دهی کاغذ-مدادی است که مشتمل بر ۳۰ ماده میباشد. چهارده ماده آن مربوط به خشم و هشت ماده آن مربوط به تهاجم و هشت ماده آن عامل کینه توزی است و برای بررسی میزان پرخاشگری فرد ساخته شده است. آزمودنی به یکی از چهار گزینه هرگز، به ندرت، گاهی اوقات و همیشه پاسخ می دهد که به ترتیب نمره صفر، ۱، ۲ و ۳ در نظر گرفته می شود. به جز ماده ۱۸ که بار عاطفی منفی دارد و معکوس نمره گذاری می شود. نمره



شکل ۱. خروجی ایموس برای متغیر خشم

AGFI، CFI و NFI نیز باید بیشتر از ۰/۹ باشد که در مدل تحت بررسی به ترتیب بالاتر از میزان تعیین شده است. بنابراین داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی این مقیاس برازش مناسبی دارد و این بیانگر همسویی سؤالات با متغیرهای مؤلفه‌های خشم است.

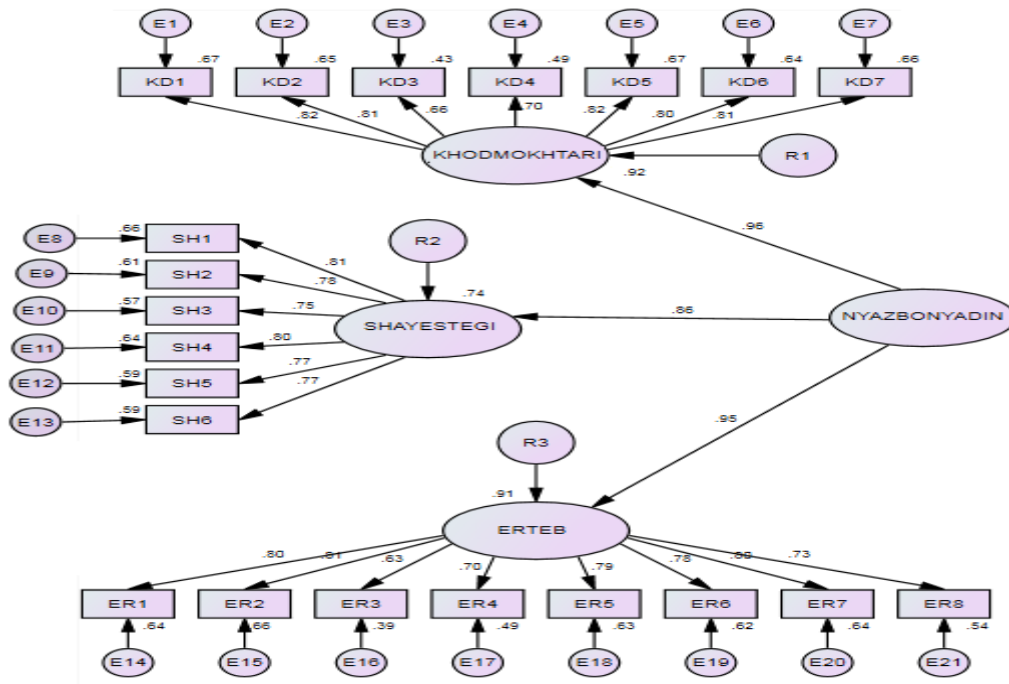
با توجه به خروجی ایموس در جدول ۱، مقدار χ^2/df محاسبه شده ۲/۶۳ است، وجود χ^2/df کوچکتر از ۳ نشان دهنده برازش مناسب مدل می‌باشد همچنین جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) می‌بایستی کمتر از ۰/۰۸ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر ۰/۰۶۶ است. میزان شاخص‌های GFI،

جدول ۱. شاخص‌های برازش مقیاس خشم

ملاک	برآورد	مشخصه
$\chi^2/df < 3$	۲/۶۳	نسبت مجذور خی به درجه آزادی (χ^2/df)
$RMSEA < 0.08$	۰/۰۶۶	جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)
$GFI > 0.9$	۰/۹۳	شاخص نکویی برازش (GFI)
$AGFI > 0.9$	۰/۹۱	شاخص تعدیل شده ی نکویی برازش (AGFI)
$CFI > 0.9$	۰/۹۷	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
$> 0.9 NFI$	۰/۹۶	(NFI) شاخص نرم شده برازندگی

نیازهای بنیادین روانشناختی گزارش شده است. تمام سؤالات دارای بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳ و معنادار هستند.

تحلیل عاملی تأییدی نیازهای بنیادین روانشناختی: همانطور که ملاحظه می‌شود در شکل ۲ خروجی ضرایب استاندارد شده



شکل ۲. خروجی ایموس برای نیازهای بنیادین روانشناختی

با توجه به خروجی ایموس در جدول ۲، مقدار χ^2/df محاسبه شده ۲/۳۱ است، وجود χ^2/df کوچکتر از ۳ نشان دهنده برازش مناسب مدل می باشد همچنین جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) می بایستی کمتر از ۰/۰۸ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر ۰/۰۵۹ است. میزان شاخص های GFI، AGFI، CFI و NFI نیز باید بیشتر از ۰/۹ باشد که در مدل تحت بررسی به ترتیب بالاتر از میزان تعیین شده است. بنابراین داده های این پژوهش با ساختار عاملی این مقیاس برازش مناسبی دارد بیانگر همسویی سؤالات با ابعاد متغیر نیازهای بنیادین روانشناختی است.

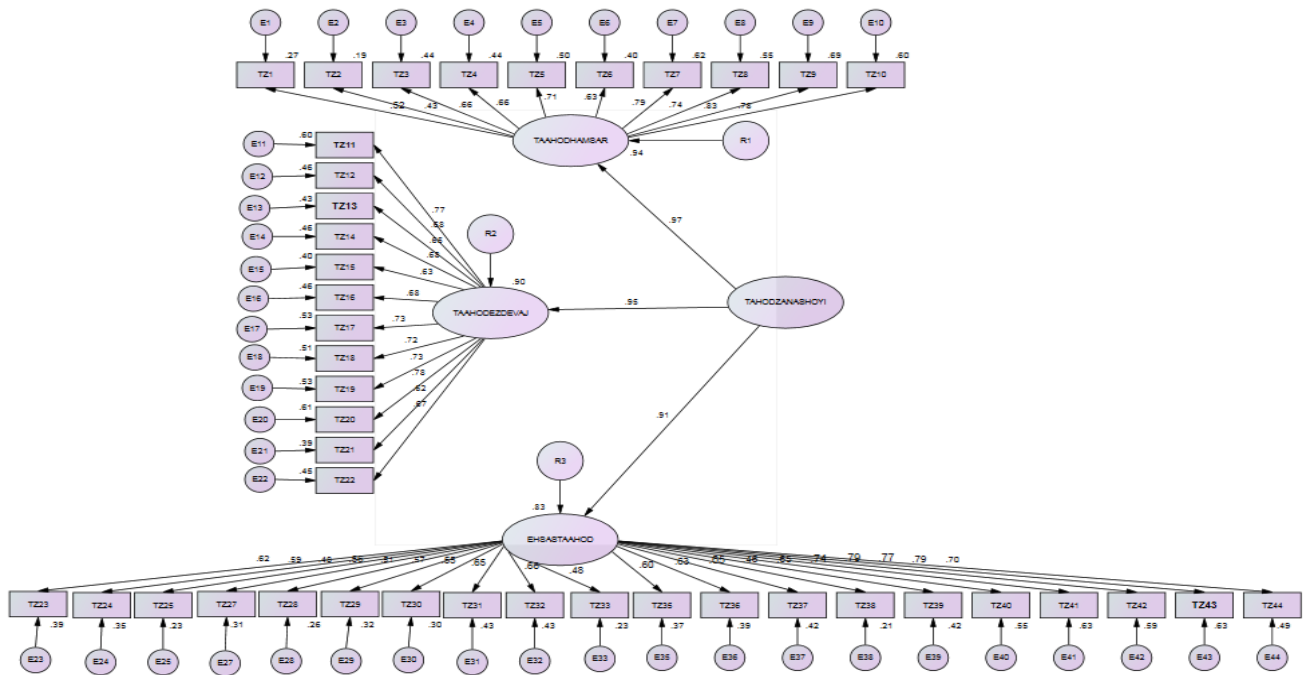
با توجه به خروجی ایموس در جدول ۲، مقدار χ^2/df محاسبه شده ۲/۳۱ است، وجود χ^2/df کوچکتر از ۳ نشان دهنده برازش مناسب مدل می باشد همچنین جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) می بایستی کمتر از ۰/۰۸ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر ۰/۰۵۹ است. میزان شاخص های GFI،

جدول ۲. شاخص های برازش مقیاس نیازهای بنیادین روانشناختی

ملاک	برآورد	مشخصه
$\chi^2/df < 3$	۲/۳۱	نسبت مجذور خی به درجه آزادی (χ^2/df)
RMSEA < ۰/۰۸	۰/۰۵۹	جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)
GFI > ۰/۹	۰/۹۴	شاخص نکویی برازش (GFI)
AGFI > ۰/۹	۰/۹۲	شاخص تعدیل شده ی نکویی برازش (AGFI)
CFI > ۰/۹	۰/۹۸	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
NFI > ۰/۹	۰/۹۷	شاخص نرم شده برازندگی (NFI)

گزارش شده است. تمام سؤال ها دارای بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳ و معنادار هستند.

تحلیل عاملی تأییدی تعهد زناشویی: همانطور که ملاحظه می شود در شکل ۳ خروجی ضرایب استاندارد شده ابعاد تعهد زناشویی



شکل ۳. خروجی ایموس برای تعهد زناشویی

یافته‌ها نشان می‌دهد که تأثیر خشم بر نیازهای بنیادین روانشناختی منفی و معنادار است اما تأثیر آن بر تعهد زناشویی معنادار نیست. تأثیر نیازهای بنیادین روانشناختی بر تعهد زناشویی مثبت و معنادار است. علاوه بر این، ۳۲ درصد واریانس تعهد زناشویی و ۲۲ درصد واریانس نیازهای بنیادین روانشناختی توسط متغیرهای موجود در مدل پژوهش حاضر تبیین می‌شود.

جدول ۴. ضرایب مسیر، آماره t و ضریب تعیین (متغیر وابسته: تعهد زناشویی)

متغیر پیش بین	ضریب مسیر (β)	آماره t	ضریب تعیین کل (R ²)
نیازهای بنیادین روانشناختی	۰/۲۹**	۵/۲۶۲	۰/۳۲
خشم	-۰/۰۷	-۱/۵۵۳	

** p < 0.01 * p < 0.05

با توجه به ضریب مسیر ۰/۲۹ و همچنین آماره t به مقدار ۵/۲۶۲ می‌توان گفت: در سطح اطمینان ۹۹ درصد نیازهای بنیادی روانشناختی با تعهد زناشویی در زنان شاغل دستگاههای اجرایی

با توجه به خروجی ایموس در جدول ۳، مقدار χ^2/df محاسبه شده ۲/۷۸ است، وجود χ^2/df کوچکتر از ۳ نشان دهنده برازش مناسب مدل می‌باشد همچنین جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) می‌بایستی کمتر از ۰/۰۸ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر ۰/۰۶۹ است. میزان شاخص‌های GFI، AGFI، CFI و NFI نیز باید بیشتر از ۰/۹ باشد که در مدل تحت بررسی به ترتیب بالاتر از میزان تعیین شده است. بنابراین داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی این مقیاس برازش مناسبی دارد و این بیانگر همسویی سؤالات با ابعاد متغیر تعهد زناشویی است.

جدول ۵. شاخص‌های برازش مقیاس تعهد زناشویی

مشخصه	برآورد	ملاک
نسبت مجذور خی به درجه آزادی (χ^2/df)	۲/۷۸	$\chi^2/df < 3$
جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	۰/۰۶۹	< 0.08
شاخص نکویی برازش (GFI)	۰/۹۳	$GFI > 0.9$
شاخص تعدیل شده نکویی برازش (AGFI)	۰/۹۰	$AGFI > 0.9$
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰/۹۶	$CFI > 0.9$
شاخص نرم شده برازندگی (NFI)	۰/۹۵	$NFI > 0.9$

عصبانیت بازیگر و شریک زندگی یافتند که تمام تحلیل های مسیر نشان داد که افسردگی و خصومت عصبانی دارای اثرات معادل منفی و معنی دار منفی بر رضایت زناشویی است. همچنین ریویز (۲۰۰۶) به این نتیجه رسید که در روابط زناشویی پستی و بلندی هایی وجود دارد که برای حفظ یک رابطه متعهدانه، لازم است. زوجین با کمک یکدیگر روی مشکلات و حل آنها کار کنند. وی کلیدهای ساخت یک ازدواج موفق را در تعهد و وفاداری، تفکر مثبت، ارتباط، مهربانی، درک و احترام و اهداف مشترک می داند. مونتهگومری گزارش کرد زوجینی که دارای روابط شاد و رضایتبخش هستند و نسبت به یکدیگر متعهدند از سازگاری زناشویی بیشتری برخوردارند (به نقل از تبعه امامی، ۱۳۸۲).

بحث و نتیجه گیری

در تبیین این نتیجه می توان چنین گفت که خشم می تواند از برانگیخته شدن نیازهای بنیادین روانشناختی حاصل شود. مطالعه قلی پور رمدانی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که بین ارضاء نیازهای بنیادین روانشناسی با رفتار و احساس پرخاشگرانه کارکنان رابطه معنادار وجود دارد. بنابراین در صورتی که محیط مستعد بروز خشم باشد و ارتباط تداعی گرایانه ای با این شرایط داشته باشد، احتمالاً می تواند در بدتر شدن روابط زوجین و کاهش میزان تعهد زناشویی تأثیر گذارد. مشکلات روان شناختی، خشم را بدتر می کند و گاهی نیز خود مشکل روان شناختی می تواند علت خشم باشد. همچنین می توان گفت هنگامیکه فرد دارای حمایت از سوی محیط اجتماعی باشد و نیازهای بنیادین خودمختاری، شایستگی و تعلق ارضا شود، فرد به سوی رشد و شکوفایی حرکت میکند (کول و همکاران، ۲۰۱۸) و روابط عاطفی رضایتبخش تری دارند. (لاگاردیا و پاتریک، ۲۰۰۸). آنان بیشتر خواهان ابراز احساسات خود هستند و با سهولت بیشتر به حمایت همسر خود می پردازند (لاگاردیا، ۲۰۰۷)؛ به نقل از بشارت و همکاران، (۱۳۹۴). برخی مطالعات ارتباط نیازهای بنیادین روانشناختی را با متغیرهای زناشویی نشان داده اند. به عنوان مثال در یک فراتحلیل از مطالعات بررسی کننده ارضای نیازهای

استان گلستان رابطه مثبت و معناداری دارد؛ و با توجه به ضریب مسیر ۰/۰۷- و همچنین آماره t به مقدار ۱/۵۵۳- می توان گفت خشم با تعهد زناشویی در زنان شاغل دستگاہهای اجرایی استان گلستان رابطه معناداری ندارد.

جدول ۵. ضرایب غیرمستقیم و آماره t

متغیر	میانجی	وابسته	ضریب (β مسیر)	آماره t
پیش بین				
نیازهای				
خشم	بنیادین روانشناختی	تعهد زناشویی	* ۰/۰۴-	۲/۳۰۸-
** $p < 0.01$ * $p < 0.05$				

جدول ۶. ضرایب مسیر، آماره t و ضریب تعیین (متغیر

وابسته: نیازهای بنیادین روانشناختی)

متغیر پیش بین	ضریب مسیر (β)	آماره t	ضریب تعیین کل (R^2)
خشم	* ۰/۱۳-	۲/۵۶۷-	۰,۲۲

با توجه به ضریب مسیر ۰/۰۴- و همچنین آماره t به مقدار ۲/۳۰۸- می توان گفت: در سطح اطمینان ۹۵ درصد خشم با تعهد زناشویی و با میانجیگری نیازهای بنیادین روانشناختی در زنان شاغل دستگاہهای اجرایی استان گلستان رابطه منفی و معناداری دارد. نتایج این تحقیق با نتایج پژوهش براوو و لمپکین (۲۰۱۰) که نشان داد یکی از مهمترین عوامل اختلافات زناشویی، نیازهای برآورده نشده زوجین است، همسو می باشد. همچنین با بررسی بشارت و همکاران (۱۳۹۴) و خان محمدی و همکاران (۱۳۹۷) و پژوهش غفاری و غلامی (۱۳۹۷) نیز همسو می باشد. لیکن پژوهش های صورت گرفته با پژوهش حاضر همسو نمی باشد. از قبیل بررسی میری و همکاران (۱۳۹۳) و همچنین میرشمسی و همکاران (۱۳۹۱)، خسروی پور و همکاران (۱۳۸۹). در پژوهش های خارج از کشور از قبیل پژوهش رنشاو و همکاران (۲۰۱۰) در بررسی مؤلفه های تأثیرگذار منفی و رضایت زناشویی، اهمیت

وظایف و یا به اصطلاح کم کاری، جبران خشم می‌کند. به نظر می‌رسد همین شیوه در مدیریت منزل نیز به کار میرود و زنان از روشهای مستقیم ابراز خشم در منزل کمتر استفاده می‌کنند و از آنجائیکه حفظ کیان خانواده برای یک زن مهمترین مسئله زندگی است، احتمال دارد خشم خود را جابجا کرده و معطوف به روابط خارج از رابطه زناشویی و تعهد به همسر کند. مانند بررسی حافظ شهرباف و حسینیان (۱۳۷۹) در مقایسه ویژگیهای شخصیتی زنان متاهل شاغل و خانه دار شهرستان مشهد و ارتباط این ویژگیها با رضامندی زناشویی که یافتند بین ویژگیهای شخصیتی این دو گروه تفاوت وجود دارد. همچنین بین تعدادی از ویژگیهای شخصیتی و رضامندی زناشویی زنان شاغل و خانه دار ارتباط مثبت وجود دارد. از طرفی این فرضیه مطرح است که زنان شاغل از حمایت بیشتر خانواده برخوردارند و همسران آنان در تعامل روش منصفانه تر و یا مهربانه تری را در پیش می‌گیرند. همانطور که تقوی و عزیز (۱۳۹۶) در مطالعه تأثیر آموزش بخشایش درمانی بر سازگاری زناشویی و خشم زوجین یافتند آموزش بخشایش بر افزایش سازگاری زناشویی و کاهش خشم زوجین موثر است و در نتیجه آموزش بخشایش باعث جایگزینی هیجان های مربوط به عدم بخشایش نظیر رنجشی، تلخی، کینه، خصومت، خشم و ترس با هیجان های مثبت نسبت به دیگران از قبیل عشق، همدلی، شفقت یا همدردی می‌شود. خشم می‌تواند از برانگیخته شدن نیازهای بنیادین روانشناختی حاصل شود. بنابراین در صورتی که محیط مستعد بروز خشم باشد و ارتباط تداعی گرایانه ای با این شرایط داشته باشد، احتمالاً می‌تواند در کاهش میزان تعهد زناشویی تأثیر گذارد. مشکلات روان شناختی، خشم را بدتر می‌کند و گاهی نیز خود مشکل روان شناختی می‌تواند علت خشم باشد.

از محدودیتهای تحقیق حاضر عدم همکاری مشارکت کننده در پاسخگویی به همه آزمونها به دلیل وقت گیر و زیاد بودن و همچنین جنبه خصوصی بودن برخی سوالات بود که پژوهشگر با دقت و توجه لازم پاسخنامه های کامل را انتخاب نمود. در ادامه با توجه به اهمیت تحکیم بنیان خانواده و لزوم حفظ آن از

بنیادین روانشناختی در روابط عاشقانه، پاتریک و دیگران (۲۰۰۷) نشان داده اند همسرانی که نیازهایشان در روابط عاشقانه بیشتر ارضا می‌شد، عزت نفس، نیروی حیاتی و عواطف مثبت بیشتر و عواطف منفی کمتری را تجربه کردند. آنها نتیجه گرفتند که با توجه به پیامدهای کیفی این روابط، افرادی که در روابط عاشقانه، ارضای این نیازها را بیشتر تجربه کنند، رضایت از زناشویی و تعهد بیشتری را نشان خواهند داد. زنان در جامعه ما جهت ابراز هیجانات دارای محدودیتهایی از سوی اجتماع هستند و این محدودیت در زنان شاغل نمود بیشتری دارد. زنان شاغل با آموزشهایی که در محیط کار از نظر تقسیم مسئولیت و لزوم هماهنگی در انجام کار را در درون مجموعه خود برای به ثمر رسیدن و بازدهی بیشتر کار دیده‌اند، روحیه مسئولیت پذیری و تعاون و همکاری را در بین اعضاء خانواده خود تقویت می‌کنند که باعث ایجاد روابط دلپذیرتر در بین اعضای خانواده و رضایت‌مندی همه آنها در پذیرفتن بخشی از کار می‌شوند و اثرات آن به صورت غیرمستقیم در کسب مهارتها و تجربیات فرزندان در زندگی پدر و مادر فراهم شده و تجلی و ظهور و بروز آن در زندگی آینده‌شان خواهد بود (گلزاری، ۱۳۷۸). بر همین مبنا اصولاً زنان شاغل به تجربه می‌آموزند که در بیان خشم دارای محدودیتهایی در محیط کار هستند و به مرور یاد می‌گیرند از ابراز مستقیم خشم خودداری کنند. ممکن است ایشان روش منطقی را در پیش بگیرند و می‌دانیم منطقی؛ خشم را شکست می‌دهد؛ زیرا خشم حتی وقتی موجه باشد، می‌تواند به سرعت به یک عمل غیرمنطقی تبدیل شود. بنابراین استفاده از منطقی باعث کسب دیدگاه متعادلتری می‌شود. افراد در طول زندگی می‌آموزند که برای برخورداری از مزیت‌های خوب زندگی در هر زمینه ای اعم از اجتماعی، سیاسی، خانوادگی، شغلی و ... باید بتوانند احساسات خود را به خوبی کنترل و احساسات دیگران را درک کنند و با آنها به خوبی کنار آیند (گلمن، ۱۳۷۹) و گاهی این هیجان دردآور به شکلی دیگر نمود پیدا می‌کند مانند مکانیسم جابه جایی که در آن خشم به شیء یا فردی که عامل اصلی خشم نیست منتقل می‌شود. مثلاً، کارمندی که از دست رئیس خود عصبانی است، با انجام ندادن

ضروری است و ارائه آموزش خودکنترلی و توان افزایی و تاب آوری اجتماعی در جوامع در جهت بهبود شرایط اجتماعی توصیه می‌گردد. همچنین انجام پژوهشهایی مبتنی بر اثربخشی آموزش کنترل خشم، مهارتهای ارتباطی و نیازهای بنیادین روانشناختی با گروه‌های مختلف پیشنهاد می‌گردد.

آسیبهای اجتماعی، ارائه آموزشهایی مبتنی بر تربیت صحیح فرزندان و چگونگی برآورده ساختن نیازهای بنیادین روانشناختی ایشان به منظور پیشگیری از آسیب‌های آتی در جامعه لازم و ضروری است. همچنین با عنایت به تاثیرگذاری نحوه ارتباط با دیگران و جلوگیری از بروز پدیده خشونت در جامعه ارائه آموزشهای مهارتهای زندگی و علی‌الخصوص مقابله با خشم و آموزش شیوه‌های مدیریت آن در سنین پایین و در دوران تحصیل

منابع

- انیل، ه. (۱۳۸۳). کنترل و مهار خشم. ترجمه اکبر فرشیدنژاد و سینا حکیمان، اصفهان، فرهنگ مردم.
- بشارت، م.، رامش، س.، و رضازاده، س. م. (۱۳۹۴). نقش تعدیل کننده پیوندهای والدینی در رابطه بین ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی و سازگاری زوجین. دو فصلنامه روانشناسی خانواده، ۲: ۲۶-۱۵.
- بشارت، م.، و رنجبر کلاگری، ا. (۱۳۹۲). مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی: پایایی، روایی و تحلیل عاملی. فصلنامه اندازه گیری تربیتی، شماره ۱۴، سال چهارم.
- بشارت، م.، و هوشمند، س. ن.، و رضازاده، س. م.، و غلامعلی لوانسانی، م. (۱۳۹۴). نقش تعدیل کننده ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی در رابطه بین سبکهای فرزندپروری والدین و رضایت زناشویی فرزندان. مجله روانشناسی خانواده، دوره ۲، شماره ۱: ۱۵-۲۸.
- تبعه امامی، ش. (۱۳۸۲). تعیین و بررسی رابطه بین ویژگی‌های مرکزی و پیرامونی عشق و تعهد در بزرگسالان جوان متأهل در دانشگاه اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان.
- تقوی، م.، و عزیز، م. (۱۳۹۶). تأثیربخشایش درمانی بر سازگاری زناشویی و خشم زوجین. همایش کنگره انجمن روانشناسی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، دوره ۶.
- حافظ شریاف، ر.، و حسینیان، س. (۱۳۷۹). مقایسه ویژگیهای شخصیتی زنان متأهل شاغل و خانه دار شهرستان مشهد و ارتباط این ویژگیها با رضامندی زناشویی. پژوهشهای مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره) دوره ۲، شماره ۶-۵: ۷۳-۹۰.
- حسینی، ا.، زهراکار، ک.، داورنیا، ر.، و شاکری، م. (۱۳۹۴). رابطه تعهد زناشویی با ویژگیهای شخصیتی، مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. دوره ۲۲، شماره ۵: ۷۹۶-۷۸۸.
- خان محمدی، ذ.، بزازیان، س.، امیری مجد، م.، و قمری، م. (۱۳۹۷). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس نیازهای بنیادین روانشناختی، انتظارات زناشویی و عملکرد خانواده. روانشناسی خانواده، دوره ۵، شماره ۱: ۳۰-۱۷.
- خزائی، ا.، حجت خواه، س. م.، و رشیدی، ع. (۱۳۹۶). رابطه قدرت ریسک و نگرش به روابط فرازناشویی با تعهد و اعتماد زناشویی در زنان متأهل شهر کرمانشاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی.
- خسروی پور، ا.، محمدخانی، پ.، دولشاهی، ب.، و پورشهباز، ع. (۱۳۸۹). عوامل خطر ساز خشونت زناشویی در مردان و زنان شاغل دستگاههای اجرایی متأهل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ساعتچی، م.، کامکاری، ک.، عسگریان، م. (۱۳۹۰). آزمونهای روانشناختی. تهران، ویرایش، چاپ دوم.
- صالحی فدردی، ج. (۱۳۹۲). رضایت مندی زناشویی. فصلنامه تازه‌های روان درمانی، سال چهارم، شماره‌های ۱۳ و ۱۴.
- غفاری، م.، و غلامی، س. (۱۳۹۷). رابطه ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی و کیفیت خواب با میزان خشم در کارکنان نیروی انتظامی بندرعباس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرلنگه.
- قلی پور مردانی، ع.، و غفاری، محمد.، و کلانتری شاه‌هیجان، م. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر نیازهای بنیادین و کیفیت خواب با میزان خشم در بین کارکنان نیروی انتظامی بندرعباس. فصلنامه علمی دانش انتظامی هرمزگان، دوره هفتم، شماره ۲۳: ۹۸-۵۵.
- گلزاری، م. (۱۳۷۸). اشتغال زنان، بایدها و نبایدها. مطالعات راهبردی زنان. شماره ۳.
- گلمن، د. (۱۳۷۹). هوش عاطفی. ترجمه حمیدرضا بلوچ، تهران، جیحون.
- میرشمسی، س.، دولت آبادی، ش.، و کاظمی، ف. (۱۳۹۱). تأثیر آموزش کنترل خشم بر رضایت زناشویی زنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

میری، ف.، طیبی، ز.، و آقا محمدیان شهرباف، ح. (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش کنترل خشم، مبتنی بر رویکرد شناختی رفتاری بر افزایش رضایت مندی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد، پردیس بین الملل.

مصباح، ع.، زارعان، م.، بی ریا، ن.، آقا تهرانی، م.، رهنمایی، س. ا.، شاملی، ع.، حقانی، ا.، و ساجدی، ا. (۱۳۷۴). روان شناسی رشد (۱). تهران، سمت.

هادی، س.، اسکندری، ح.، سهرابی، ف.، معتمدی، ع.، و فرخی، ن. (۱۳۹۵). مدل ساختاری پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس سبکهای دلبستگی و متغیرهای میانجی خودکنترلی و طرحواره های ناسازگار اولیه (در افراد دارای روابط فرازناشویی عاطفی). فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، شماره ۲۸: ۶۰-۳۴.

Acker, M., Davis, M. H. (1992). Intimacy, passion and commitment in adult romantic relationships: a test of the triangular theory of love. *Journal of Social Personal Relationships*, 9, 21-50.

Amato, P. R. (2008). Continuity and change in marital quality between 1980 and 2006. *Journal of Marriage and the Family*, 65, 1-22.

Bravo, I. M., & Lmpkin, P. W. (2010). The complex case of marital infidelity: An explanatory model of contributory processes to facilitate psychotherapy. *American Journal Family Therapy*, 38, 421-432

Finke, E. J., Rusebult, C. E., Kumashiro, M., Hannon, P. A. (2002). Dealing with betrayal in elose relationship: Dose commitment forgiveness? *Journal of Personality & Social Psychology*, 82 (6), 956-974.

Harris, K. M., & Lee, H. (2007). The development of marriage expectations, attitudes, desire from adolescence into young adulthood, University of North Carolina at Chapel Hill. Department of sociology and the Carolina population center.

Hendrick, S. S. (2005). An association of commitment and communal- exchange relationship orientation. Nadine Bartsch, Dissertaion. Degree of doctor of philosophy. Texas Tech University.

Johnston,m.& Finney,sara,j.(2010). Measuring basic needs satisfaction: Evaluating previous research and conducting new psychometric evaluations of the Basic Needs Satisfaction in General Scale. *Contemporary Educational Psychology* 35 (2010) 280-296

kapinus, C.A., & Johnson, m.p. (2009). "The utility of family life cycle as theoretical tools". *Commitment and family life cycle stage. Journal of family issues*, 24(2), 155-184.

Koole, S. L., Schlinkert, C., Maldei, T., & Baumann, N. (2018). Becoming who you are: An integrative review of self-determination theory and personality systems interactions theory. *Journal of Personality*, Wiley Online Library. <https://doi.org/10.1111/jopy.12380>.

La Guardia, J. G., & Patrick, H. (2008). Selfdetermination theory as a fundamental theory of close relationships. *Canadian Psychology*, 49, 201-209

Larson, J. H. Hamond, C. H, Harper, J. M. (1988). Perceived equity and intimacy in marriage, *Journal of Marital and Family Therapy*, 21(4).

Nelson, J.A., Krik, A.M., Ane, p. serres, s.A. (2012). "Religious and spitual val-ues and moral commitment in marriage: a untapped Resourcesion couples counseling". *Journal of counseling and Vaues* 55:228-246

Patrick, H., Knee, C. R., Canevello, A., & Lonsbary, C. (2007). The role of need fulfillment in relationship functioning and well-being: A selfdetermination theory perspective. *Journal of Personality and Social Psychology*, 92, 434-457.

Reeves, P. (2006). Keys to building a strong marriage: commitment strengthening your marriage applying new research to making better marriage, university of Arkansas cooperative extension service.

Reynold, J., & Mansfield, P. (1999). The effect of changing attitudes to marriage on its stability: Lord Chancellors department. High divorce rats: the state of the evidence on reasons and remedies, V. (2), 1-3. Research series, 2/99.

Rosen- Garandon, J. R., Myers, J. E. & Hattie, J. A. (2004). The relationship between mental characteristic, marital interaction processes and marital satisfaction. *Journal of Counseling & Development*, 82, 58-68.

Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2017). Self-determination theory: Basic psychological needs in motivation, development, and wellness. New York: Guilford Publishing.

.Renshaw, Keith D., Blais, Rebecca K., Smith, Timothy W. (2010). Components of negative affectivity and marital satisfaction: The importance of actor and partner anger. Department of Psychology, George Mason University, 4400 University Dr., MSN 3F5, Fairfax, VA 22030-4444, USA.

Stonley, S. M. & Markman, H J. (1992). Assessing commitment in personal relationships, *Journal of Marriage and the Family*. Vol. 54: 595-608.

Strachman, A. & Gable, S. (2006). Approach and avoidance relationship commitment, motive *Emot*. Vol. 30: 117-126.

Swensen, C. H. & Trahaug, G. (1985). Commitment and the long- term marriage relationship. *Journal of Marriage and the Family*, Vol, 47: 939-945.

*Original Article***Modeling Relationships between Anger and Marital Commitment Mediated by Basic Psychological Needs in Working Women**

Received: 22/02/2021 - Accepted: 18/04/2021

Anahita Mahshidi¹
Ramazan Hassanzadeh^{2*}
Javanshir Asadi³

¹PhD student in Psychology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

²Professor of Psychology, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran (Corresponding Author)

³Assistant Professor, Department of Psychology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

Email:
drhasanzadeh@yahoo.com

Abstract

This study tends to model the relationships between anger and marital commitment mediated by basic psychological needs of working women. The statistical population included all women working in the administrative organizations of Golestan province and the sample size was set at 380 using the Krejcie-Morgan table, who were selected by voluntary sampling method. Data collection instruments include Adams and Jones Marital Commitment Questionnaires, AGQ Aggression Questionnaire, and Basic Psychological Needs Questionnaire, all of which have reliability and validity. Amos23 software was used to analyze the data. The findings showed no direct relationship between anger and marital commitment, while there was a negative and significant relationship mediated by basic psychological needs in working women of Golestan province. Therefore, it can be concluded that anger is the result of stimulation of basic psychological needs; thus, if the environment is prone to anger, it can reduce the level of marital commitment. It is recommended to provide self-control training, empowerment and social resilience in societies in order to improve social conditions and to conduct research based on effectiveness of anger management training, communication skills and basic psychological needs with different groups.

Keywords: Marital Commitment, Anger, Basic Psychological Needs